

عنوان:

شکوائیهی جنایت از رژیم صهیونیستی (جنایت علیه بشریت، نسل کشی، آوارگی، یورش، تجاوز)

ورود ایران به عنوان ثالث در شکایت به دیوان بین المللی دادگستری توسط آفریقای جنوبی

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه

آزاد اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه)

۱۴۰۳/۰۲/۱۲

شکوائیهی جنایت (جنایت علیه بشریت، نسل کشی، آوارگی، یورش، تجاوز)

ورود ایران به عنوان ثالث در شکایت به دیوان بین المللی دادگستری توسط آفریقای جنوبی

فهرست

شکوائیه ی جنایت (جنایت علیه بشریت، نسل کشی، آوارگی، یورش، تجاوز) ۱...

۱-مقدمه ی شکوائیه ۳

۱-۱- شکایت از رژیم صهیونیستی ۳

۱-۲- ورود ایران به عنوان ثالث در شکایت به دیوان بین المللی دادگستری توسط آفریقای جنوبی ۳

۱-۳- شکوائیه ی آفریقای جنوبی از اسرائیل و رای اولیه ۴

۱-۴- شکایت از اسرائیل و رویه ی قضائی دیوان (پرونده های مشابه) ۶

۱-۵- صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایت آفریقای جنوبی و ورود ثالث ۷

۱-۶- مبنای حقوقی ورود ایران به عنوان ثالث ۹

۲- متن شکوائیه ی ایران علیه رژیم صهیونیستی ۱۱

۲-۱- نقض ماده ۶ اساسنامه ی رم در خصوص نسلکشی و کنواسیون منع و مجازات ژنوساید ۱۹۴۸ ۱۲

۲-۱-۱- کشتار اعضای گروه؛ ۱۲

۲-۱-۲- ایراد آسیب جسمی یا روانی جدی به اعضای یک گروه؛ ۱۳

۲-۱-۳- قرار دادن عمدی یک گروه در معرض شرایط نامساعد زندگی، به انتظار نابودی ۱۴

فیزیکی کلی یا جزیی آن گروه؛ ۱۴

۲-۱-۴- تحمیل تدابیری به قصد جلوگیری از زاد ولد در یک گروه؛ ۱۷

۲-۱-۵- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر ۱۸

۲-۲- مستندات انتساب مسئولیت بین المللی رژیم صهیونیستی (اسرائیل) ۱۹

۱- مقدمه ی شکوائیه

جنایت در جهان متمدن و دنیای ارتباطات، جهان مملو از نعمات و امکانات عالیه است که با پیشرفت های بشری، مقرر بود بهترین جای زندگی در گیتی باشد و برترین مخلوق آن جانشین آفریننده اش باشد. در این وضعیت کشته شدن کودکان بی گناه یا بهتر بگوئیم بی اطلاع و بی دفاع در راستای کدام یک از اهداف جامعه ی بشری صورت می پذیرد. اصلاح نسل ها، خاورمیانه ی جدید، نظم جهانی، دهکده ی جهانی و... مشخص نیست ابزار فعلی و اوضاع کنونی نتیجه ی کدام برنامه ریزی انسان است. شاید هم به گفته ی کتاب آسمانی «...الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^۱ به دیگر تعبیر از انسانیت برتری داشته باشد. آنکه می کشد به اندازه ی آنکه سکوت می کند سهیم است و شاید بدتر. جانی دارای هدفی است هر چند من غیر حق، سکوت کننده به دنبال چه چیزی است؟ امروزه آنکه از حق می خواند و حقوق می داند، تکلیفش سنگین تر است و باید جهت دفاع از مظلوم و ممانعت از اضمحلال بشریت، دست به قلم شده و عریضه ای منطبق با مقررات موضوعه ی بشری و عرف جهانی در حمایت از کودکان، زنان و ستم دیدگانی بنویسد که از جنس انسان هستند و ما به صد افسوس شاهد مرگ آنان و زوال انسانیت هستیم.

۱-۱- شکایت از رژیم صهیونیستی

شکایت از رژیم صهیونیستی به جهت اعمال جنایتکارانه ی سران آن، در قبال مردم فلسطین و منطقه، با توسل به راه های مختلف از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران قابل پیگیری است. شکایت به دیوان دادگستری بین المللی به جهت نقض قواعد آمره، شکایت به مراجع داخلی به جهت اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی ایران مبتنی بر اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت منفعل از جمله راه های طرح شکوائیه محسوب می گردد.

۱-۲- ورود ایران به عنوان ثالث در شکایت به دیوان بین المللی دادگستری توسط آفریقای جنوبی

به دلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی را به عنوان دولت شناسایی نکرده است در صورت شکایت در دیوان بین المللی دادگستری از سوی ایران، این شکایت رد می شود که رد دادخواست در این خصوص می تواند نقض غرض از شکایت محسوب شده و عاملی باشد برای از میان رفتن یکی از امتیازات ایران به همین سبب فی الحال این موضوع محقق نشده است. برخی دیگر نیز معتقدند: « باتوجه به موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان و نیز نوع نگاه سیاسی که نسبت به ایران وجود دارد، این احتمال وجود خواهد داشت که در صورت شکایت ایران، دیوان توجه جدی به طرح این شکایت نخواهد کرد. از سوی دیگر اعمال نفوذ آمریکا و برخی قدرت های غربی مخالف با ایران، ممکن بود تا طرح ابتدایی شکایت از سوی ایران به سرانجام نرسد و این فرصت از

^۱ - آیه ۷۲ سوره احزاب

دست برود؛ بر همین اساس آفریقای جنوبی ابتکار عمل را در دست گرفت و علیه رژیم اشغالگر اقامه شکایت کرد. البته باید توجه کرد که نه تنها ایران بلکه هیچ یک از ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری‌های اسلامی نیز برای این موضوع پیشقدم نشدند و آفریقای جنوبی که عضو این سازمان نبوده، به این موضوع ورود پیدا کرده است.» جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از کشورهایی که رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسند، بخواهد که شکایت خود را علیه این رژیم ثبت کنند و پس از آن ایران هم می‌تواند به عنوان کشور ثالث اعلام ورود کند.

۳-۱- شکوائیه‌ی آفریقای جنوبی از اسرائیل و رای اولیه

آفریقای جنوبی با ارائه یک پرونده ۸۴ صفحه‌ای، اقدامات اسرائیل را به دلیل نابود کردن بخش عظیمی از سرزمین فلسطین در شهر غزه، دارای ویژگی‌های نسل‌کشی خوانده است. این پرونده همچنین بطور مستدل به اقدامات با مصادیق نسل‌کشی مانند قتل عام فلسطینی‌ها، وارد کردن آسیب‌های جدی روحی و جسمی به آنان با هدف نابودی فیزیکی می‌پردازد. اظهارات مقام‌های اسرائیلی که دال بر قصد و نیت آنان برای «نسل‌کشی» است در این پرونده دیده می‌شود. آفریقای جنوبی در شکایت خود علاوه بر طرح موضوع نسل‌کشی، از دیوان می‌خواهد تا با صدور حکم از اسرائیل بخواهد تا تمام اقدامات نظامی خود را در غزه متوقف کند. در این شکایت همچنین اسرائیل به استفاده گسترده از زور و کوچ اجباری مردم متهم شده و از دادگاه خواسته شده است به اسرائیل دستور دهد تا بازگشت فلسطینیان به خانه‌هایشان و دسترسی به آب و غذا و کمک‌های انسان‌دوستانه و اولیه انسانی را تسهیل کند. درخواست فوری و سریع آفریقای جنوبی این است تا در مورد ارتکاب جنایت جنگی در نوار غزه تحقیقاتی صورت گیرد و برای ممانعت از نسل‌کشی دستور آتش بس فوری صادر شود. نتیجه این دادگاه می‌تواند موجب تقویت اعتبار این نهاد قضایی شده و مردم جهان را به اجرای عدالت در سطوح بین‌المللی امیدوار سازد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر اولیه ی خویش نسبت به تداوم جان باختن مردم غزه ابراز نگرانی کرد. رئیس این دادگاه بین‌المللی تاکید کرد که دادگاه نمی‌تواند درخواست رژیم اسرائیل مبنی بر نپذیرفتن شکایت آفریقای جنوبی را بپذیرد. در این رای عنوان شد که دیوان صلاحیت صدور حکم درباره تدابیر فوق‌العاده درخصوص اتهام نسل‌کشی علیه اسرائیل را دارد و آفریقای جنوبی نیز حق اقامه دعوا را دارد و نمی‌توان درخواست اسرائیل درباره رد کردن آن را پذیرفت. در این رای راجع به اینکه آیا نسل‌کشی واقع شده است یا خیر اظهارنظری نمی‌شود بلکه در خصوص امکان نسل‌کشی رای صادر و به این صورت بیان شده است: عملیات نظامی در غزه منجر به کشته شدن تعداد زیادی از مردم این باریکه و کوچ اجباری تعدادی دیگر شد. حمله اسرائیل منجر به جان باختن تقریباً ۴۰ هزار فلسطینی و مجروح شدن ۸۰ هزار تن دیگر شد. دیوان بین‌المللی دادگستری تاکید کرد: بیش از ۹۳ درصد مردم غزه توان دستیابی به غذا را ندارند. مردم فلسطین مورد حمایت معاهده ی ممانعت از نسل‌کشی هستند و حق دارند که از جنایت نسل‌کشی در امان باشند. دادگاه بیان داشت که: بیانیه آژانس آنروا در مورد وخامت اوضاع انسانی در غزه را جدی گرفتیم و اوضاع این باریکه به سمت فاجعه حرکت می‌کند.

اسرائیل باید اقدامات لازم برای جلوگیری از جنایات کشتار علیه یک مجموعه انسانی را اتخاذ کند. دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که آسیب‌های وارده به غیرنظامیان غزه در حد جنایت جنگی است. اسرائیل باید عدم ارتکاب به جنایت نسل‌کشی توسط نیروهایش را تضمین و اقداماتی در راستای بهبود اوضاع انسانی در غزه انجام دهد. در این رای همچنین آمده است: تمام طرف‌های درگیر در غزه باید به قوانین بین‌المللی انسانی پایبند بوده و اسرا را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنند. اسرائیل باید به کشتار و آسیب رساندن به مردم غزه پایان دهد و اقدامات لازم برای فراهم کردن نیازهای انسانی مردم غزه را فوراً اتخاذ کند. اسرائیل باید تدابیر لازم برای جلوگیری از تحریک مستقیم به کشتار گروهی را بیندیشد. اسرائیل باید متعهد به خودداری از قتل، تعدی و تخریب علیه مردم غزه باشد. در این رای گزارش‌های آفریقای جنوبی عاقلانه و منطقی و قابل بررسی دانسته شده است.

این رای بیانگر آن است که افکار عمومی جهانی و نیز نهادهای حقوقی بین‌المللی نسبت به این جنایات چنان واقف هستند که امکان پذیرش آن در مدتی کوتاه امکان‌پذیر بوده و تردیدی در خصوص لزوم بررسی آن وجود ندارد. این رای در وهله‌ی اول شکستی بزرگ برای اسرائیل قلمداد می‌گردد چرا که علاوه بر صحنه‌ی جنگ و سیاست، در صحنه‌ی حقوق نیز به شکست انجامیده است و یک پیروزی قاطع برای حاکمیت قانون در سطح بین‌الملل و نقطه عطفی در زمینه جستجوی عدالت برای مردم فلسطین به شمار می‌رود. اسرائیل و متحدانش هشدار مهمی دریافت کرده‌اند و لازم است، اقدامات بیشتری برای جلوگیری از نسل‌کشی و جنایات جنگی علیه مردم فلسطین انجام دهند. این حکم به معنای آن است که دیوان بین‌المللی دادگستری وضعیت وخیم انسانی در غزه را به رسمیت شناخته است.

حال که این شکایت ثبت شده و مورد پذیرش اولیه نیز قرار گرفته است، راه شکایتی جدید برای ایران و دیگر کشورهای حامی مردم فلسطین و زیان‌دیدگان از اقدامات اسرائیل مانند ایران ایجاد شده است که به عنوان کشور ثالث ورود کرده و از منافع خود دفاع نمایند و از شکایت آفریقای جنوبی نیز حمایت نمایند.

سازمان همکاری‌های اسلامی بعد از شکایت آفریقای جنوبی از اقدام این کشور تمجید و تأکید کرد که اقدامات اسرائیل اعم از هدف قرار دادن غیرنظامیان، از جمله زنان و کودکان، کوچاندن اجباری شهروندان فلسطینی و محروم کردن آنها از نیازهای اولیه، جلوگیری از ورود کمک‌های بهداشتی و تخریب مراکز بهداشتی و آموزشی مصداق نسل‌کشی محسوب می‌شود. دولت مالزی با استقبال از شکایت آفریقای جنوبی این اقدام را یک «گام ملموس» در راستای پاسخگو کردن این رژیم از بابت جنایاتش دانست. مالزی از رژیم صهیونیستی خواست به وظایفش طبق قوانین بین‌المللی عمل کرده و فوراً به جنایاتش علیه فلسطینی‌ها پایان دهد. ترکیه از اقدام آفریقای جنوبی حمایت کرد. ترکیه تأکید کرده جنایت اسرائیل نباید بدون مجازات باقی بماند. اردن از آفریقای جنوبی در این پرونده حقوقی حمایت می‌کند. ایمن الصفدی گفت: که وزارت امور خارجه اردن در تلاش است تا پرونده حقوقی لازم را برای پیگیری و هماهنگی با کشورهای عربی و اسلامی تهیه کند. بولیوی اقدام آفریقای جنوبی را

به عنوان اقدامی تاریخی ستود و تبدیل به اولین کشور آمریکای لاتین شد که از آفریقای جنوبی در دادگاه لاهه حمایت می‌کند. این حمایت‌ها را باید به اظهار نظرهایی که از سوی فعالان سیاسی و سازمان‌های مدنی در حمایت از اقدام آفریقای جنوبی ایجاد شده است افزود.

شاید دلیل طرح دعوی با عنوان نسل‌کشی از سوی آفریقای جنوبی این باشد که کنوانسیون نسل‌کشی به تمام جنایات رسیدگی می‌کند و این بدترین شکل محکومیت است». اگر دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه برسد که اسرائیل در غزه مرتکب نسل‌کشی شده است، رای آن می‌تواند، افراد جنایتکار و عامل نسل‌کشی را نیز به دادگاه بین‌المللی کیفری معرفی کند. چنین حکمی می‌تواند مجازات مقامات صهیونیست و انزوای شرکت‌های اسرائیلی و حتی تحریم و بایکوت آنها در جامعه بین‌المللی را در پی داشته باشد. در عین حال، حکم علیه اسرائیل باعث افزایش فشار روی حامیان این رژیم از جمله آمریکا خواهد شد و از آنان خواسته می‌شود تا در روابط خود با تل‌آویو تجدید نظر کنند. جنایات این رژیم تحت عناوین مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. مانند: تبعیض نژادی، جنایت جنگی و نقض فاحش حقوق بشر و ... که فرصتی برای طرح این نوع شکایت ایجاد نشده است. شکایت آفریقای جنوبی دو امتیاز اساسی دارد: ۱- اولین بار است که در یک نهاد قضایی بین‌المللی پرونده‌ای علیه دولت اسرائیل گشوده می‌شود تا به جنایات دولتی علیه مردم فلسطین بپردازد ۲- این نخستین بار است که خواهان با آگاهی از تعهدات خود، از دیوان خواسته تا خودش را هم مخاطب دستورات دیوان قرار دهد.

۴-۱- شکایت از اسرائیل و رویه ی قضائی دیوان (پرونده های مشابه)

دو پرونده ی مشابه در این خصوص در دیوان مطرح است:

- ۱- قضیه گامبیا علیه میانمار است؛ که به سبب اقامه دعوی توسط دولتی غیر از دولت زیان دیده با پرونده های پیشین متفاوت و به پرونده اخیر شباهت دارد. در این پرونده، دیوان خواسته های اصلی گامبیا را در صدور دستور موقت مورد تایید قرار داد و در مرحله بعد، صلاحیت خود را نیز برای صدور رأی در ماهیت، احراز نمود.
- ۲- دعوی اوکراین علیه روسیه است؛ که در آنجا نیز دیوان، دستور موقتی صادر و ضمن آن، از روسیه خواست تا عملیات نظامی خود را در اوکراین متوقف کند.

یافته های دیوان در ارتباط با تایید ویژگی عام الشمول تعهدات ناشی از کنوانسیون منع نسل زدایی و نیز ماهیت دستورات موقت دیوان از جمله وجود برخی موارد ارتباط میان حقوق جنگ و منع نسل زدایی (یا حتی نفی برخی ارتباطات میان این دو خرده نظام حقوق بین الملل)، دستاوردهایی است که طرفین دعوی حاضر را به استفاده از رویه پیشین دیوان امیدوار می سازد. با وجود این، چنانکه خواهیم دید رویه دیوان در دو پرونده جاری - با ترکیب قضاتی نسبتاً مشابه قضات کنونی - شانس آفریقای جنوبی را در پیشبرد اهداف حقوقی اش افزایش خواهد داد.

۵-۱- صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایت آفریقای جنوبی و ورود ثالث

آفریقای جنوبی در این دادخواست، ماده ۹ کنوانسیون نسل زدایی^۱ را به عنوان مبنای صلاحیت دیوان معرفی کرده است. دیوان پیش تر در پرونده گامبیا علیه میانمار، بر آن بود که به رغم حق شرط میانمار بر ماده ۸ این کنوانسیون، دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده را دارد. با این حال در پرونده حاضر هیچ یک از طرفین، حق شرطی بر کنوانسیون وارد نکرده اند و در نتیجه به نظر می رسد مانعی در راستای احراز صلاحیت دیوان از حیث وجود رضایت طرف های اختلاف وجود نخواهد داشت. اما نکته اساسی در اینجا این است که آیا اساساً اختلافی بین طرفین وجود دارد یا نه؟

وکلاي اسرائيل تلاش کرده اند نشان دهند اختلافی بین دو کشور وجود نداشته و آفریقای جنوبی قبلاً چنین اختلافی را به آنها اطلاع نداده است؛ چنان که ماده ۴۳ مواد راجع به مسئولیت بین المللی دولت مصوب کمیسیون حقوق بین الملل اقتضا می کند^۲. البته در این مورد باید گفت که ابلاغ ادعا توسط دولت زیان دیده (یا دولتی که در چارچوب ماده ۴۸ مواد مزبور^۳، در دفاع از منافع جامعه بین المللی اقدام می کند)، به شیوه خاصی منحصر نیست و دیوان در احراز ابلاغ ادعا می تواند اظهارات نمایندگان دولت آفریقای جنوبی، از جمله آرای این کشور، نزد مجمع عمومی ملل متحد و نیز بیانیه های رسمی آن دولت را ملاک قرار دهد.

با اقامه دعوی گامبیا علیه میانمار در ارتباط با نسل زدایی مسلمانان روهینگیا دیوان فرصتی فوق العاده یافت تا دکتترین، تعهدات عام الشمول را که در قضیه بارسلوناتراکشن مطرح نموده بود به

^۱ - ماده ۹: اختلافات حاصله میان متعاهدین در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این قرارداد منجمله اختلافات راجع به مسئولیت یک دولت در مورد عمل ژنوساید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع می شود.

^۲ - ماده ۴۳

ابلاغ دعوی توسط کشور زیان دیده

۱- یک کشور زیان دیده، که به مسئولیت کشور دیگر استناد می کند، باید دعوای خود را بدان کشور ابلاغ کند.

۲- کشور زیان دیده ممکن است به ویژه، [موارد ذیل] را تصریح کند:

(الف) اگر عمل متخلفانه ادامه داشته باشد، رفتاری که کشور مسئول، مناسب است برای توقف آن اتخاذ کند.

(ب) چه صورتی از جبران خسارت، مناسب است مطابق با مقررات بخش دوم اتخاذ گردد.

^۳ - ماده ۴۸

استناد به مسئولیت توسط کشوری جز کشور زیان دیده

۱- هر کشوری جز کشور زیان دیده، حق دارد مطابق بند ۲، به مسئولیت کشور دیگر استناد کند؛ اگر:

(الف) تعهد نقض شده، در برابر گروهی از کشورها، از جمله آن کشور باشد و به منظور حمایت از منفعت جمعی گروه [مزبور]

ایجاد شده باشد؛ یا

(ب) تعهد نقض شده، در برابر جامعه بین المللی در مجموع باشد.

۲- هر کشور، که به موجب بند ۱ حق استناد به مسئولیت را دارد، ممکن است از کشور مسئول، [موارد ذیل] را مطالبه کند:

(الف) توقف عمل متخلفانه بین المللی و اطمینان ها و تضمین های عدم تکرار، مطابق با ماده ۳۰؛ و

(ب) ایفای تعهد جبران خسارت مطابق با مواد سابق، به نفع کشور زیان دیده یا [کشورهای] ذی نفع از تعهد نقض شده.

۳- الزامات استناد به مسئولیت توسط یک کشور زیان دیده، مطابق مواد ۴۴، ۴۳ و ۴۵ بر استناد مسئولیت، توسط کشوری که

حق دارد مطابق بند ۱ [این ماده]، چنین کند، اعمال می گردد.

عنوان زمینه ای برای اقامه دعوی توسط دولتی غیر از دولت زیان دیده بپذیرد. به رغم تردیدهای اولیه در ارتباط با این نوع از تعهدات و آثار آنها، ماده ۴۸ مواد راجع به مسئولیت بین المللی دولت در سال ۲۰۰۱ این دسته از دعاوی را به رسمیت شناخت. سپس دیوان در نظر مشورتی دیوار حائل در سال ۲۰۰۴ آثار چنین تعهداتی را یادآوری کرد و متعاقباً در سال ۲۰۱۲ در قضیه مصونیت صلاحیتی (آلمان علیه ایتالیا)، برخی آثار آن را پذیرفت. دعوی گامبیا علیه میانمار این فرصت را به دیوان داده است تا ضمن تحکیم آثار تعهدات عام الشمول به ویژه از حیث تعهد به خاتمه دادن به نقض های قواعد آمره، از این مبنا برای پذیرش صلاحیت خود در ارتباط با طرح دعوی گامبیا استفاده نماید. اینک آفریقای جنوبی تقریباً همان راهی را رفته است که گامبیا دنبال کرد. با این تفاوت که گامبیا، یک کشور مسلمان بوده و اقدام وی مورد حمایت سازمان همکاری اسلامی و به نحو غیررسمی نماینده کشورهای اسلامی در حمایت از یک گروه مذهبی اسلامی تلقی می شود؛ در حالی که آفریقای جنوبی ظاهراً مناسبت قومی، نژادی و مذهبی با مردم فلسطین و به طور خاص ساکنان نوار غزه ندارد.

آفریقای جنوبی را نمی توان دولت زیان دیده از نقض تعهدات اسرائیل تلقی نمود؛ مگر آن که پای ارزش های مهم جامعه بین المللی و تعهدات عام الشمول در میان باشد که نقض آنها توسط هر دولتی و علیه هر دولت یا ملتی، به منزله نقض تعهد در برابر جامعه بین المللی است و از این رو همه اعضای جامعه بین المللی این «حق» را خواهند داشت تا به مسئولیت دولت متخلف استناد نمایند. اما دادخواست آفریقای جنوبی از این موضع نیز عبور کرده و اقامه دعوی را «تعهد» و تکلیف خود تلقی می کند. این تکلیف در درجه اول از ماده یک کنوانسیون ۱۹۴۸ نشأت می گیرد که تصریح می کند: «طرف های متعاقد تصدیق و تأیید می کنند که نسل زدایی اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ به موجب حقوق بین المللی جنایت محسوب می شود و تعهد می کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.»

آفریقای جنوبی، معتقد است این تعهدی عام الشمول برای همه کشورهاست. ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۴۸ نیز که به ارجاع نسل زدایی توسط دولت ها به ارکان سازمان ملل اشاره دارد، گونه خاصی از این تعهدات را یادآوری کرده است و از آنجا که دیوان بین المللی دادگستری نیز رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد است، اقامه دعوی بر اساس ماده ۹ می تواند بر اساس تعهد ناشی از ماده ۸ نیز توجیه شود.

دیوان در قضیه گامبیا علیه میانمار، بر استقلال مواد ۸ و ۹ کنوانسیون تأکید نموده است و در جایی که میانمار مدعی بود به سبب حق شرط بر ماده ۸، دیوان به عنوان رکن سازمان ملل صلاحیت رسیدگی را ندارد، این ادعا را رد کرد. حق شرط بر ماده ۸، فی نفسه اعمال صلاحیت دیوان را به عنوان

۱ - ماده ۱: طرف های متعاقد تصدیق و تأیید می کنند که (زنوساید) اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ به موجب حقوق بین المللی جنایت محسوب می شود و تعهد می کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.

۲ - ماده ۸: هر یک از متعاهدین می توانند از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهد که طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات زنوساید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی بعمل آورد.

قید حل و فصل اختلاف در ماده ۹ خاموش نمی سازد اما از طرفی بدیهی است که ماده ۹ علاوه بر شأن حل اختلاف قضایی، به یک رکن اصلی ملل متحد نیز اشاره دارد. بنابراین استقلال مواد ۸ و ۹ کنوانسیون را اینگونه می توان درک کرد که حق شرط یک کشور بر ماده ۸، اگرچه تعهدات مربوط به ماده ۸ را در روابط آن کشور با سایر دولت ها زائل یا محدود می سازد (اگر چنین حق شرطی معتبر باشد)؛ اما شأن ماده ۹ را به عنوان یک قید حل و فصل اختلاف زائل نمی سازد. در وضعیت نوار غزه، روشن است که حق شرطی نسبت به ماده ۸ نیز وجود ندارد.

آفریقای جنوبی از دیوان خواسته است تا پیش از صدور رأی، دستور موقت صادر نماید. پیش از این در فرصت های مختلف درباره اقتضائات صدور دستور موقت از جمله فوریت و ضرورت دستور موقت برای حفاظت از حقوق طرفین و نیز احراز صلاحیت گفته شده است. آفریقای جنوبی درخواست تعلیق عملیات نظامی را نموده است. دیوان شاید به این جهت به این درخواست جواب مثبت نداده است که ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهد که اولاً آیا عملیات اسرائیل یک عملیات دفاعی است؟ و آیا اسرائیل شرایط دفاع مشروع را دارد؟ به ویژه در پرتو وضعیت اشغال و با تأکید بر این نکته که قدرت اشغالگر، به ویژه در سرزمین طرف مخاصمه حق استناد به دفاع مشروع دارد یا نه، می تواند به بحث تأثیرگذاری تبدیل شود. همچنین دیوان باید پاسخ دهد که چه رابطه ای میان عملیات دفاعی (به فرض وجود دفاع مشروع) و نسل زدایی وجود دارد؟ ماده یک کنوانسیون، صراحتاً بیان داشته که نسل زدایی در وضعیت مخاصمه مسلحانه نیز محتمل است. بنابراین دفاعیات احتمالی اسرائیل مبنی بر این که عملیات نظامی نمی تواند نسل زدایی باشد، رد خواهد شد اما در مرحله ماهوی، دیوان باید تشخیص دهد که عملیات نظامی مزبور تا چه اندازه با قصد نابودی یک گروه مورد حمایت کنوانسیون قرین بوده است و آیا می تواند مصداق نسل زدایی باشد یا نه.

۶-۱- مبنای حقوقی ورود ایران به عنوان ثالث

در این پرونده از یک سو اسرائیل مدعی شده است که حماس تحت کنترل ایران بوده و در نتیجه مخاصمه جنبه بین المللی دارد و از سوی دیگر برخی به حق مقاومت مندرج در پروتکل اول اشاره کرده اند که اگر چنین باشد، ماهیت مخاصمه، بین المللی تلقی خواهد شد و ممکن است لازم باشد دیوان حتی در فرض عدم اثبات مداخله ایران، به این موضوع بپردازد که آیا اعمال حق مقاومت، منجر به شناسایی حق دفاع مشروع خواهد شد یا نه؟

در قضیه گامبیا، کشورهای کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، هلند و بریتانیا و در قضیه اوکراین^{۳۲} کشور وفق ماده ۶۳ اساسنامه دیوان^۱ وارد دعوی شدند. در قضیه حاضر نیز تا لحظه تنظیم این یادداشت، آلمان و کانادا اعلام کرده اند که قصد دارند در دعوی وارد شوند که هر دو، در دو دعوی دیگر نیز مداخله نموده اند و از پایه های عصر دعاوی دسته جمعی دیوان هستند. دیوان در دعاوی

^۱ - ماده ۶۳- هرگاه امر مربوط به تفسیر قراردادی باشد که در آن قرار داد دولت های دیگر غیر از اطراف اختلاف شرکت داشته‌اند، دفتردار باید بدون درنگ مراتب را به اطلاع آن دولت ها برساند. هر یک از آنها حق دارد که وارد محاکمه شود و در صورت اعمال این حق تفسیری که به موجب حکم دیوان بعمل می آید درباره او نیز الزام آور خواهد بود

دسته جمعی با چالش های زیادی مواجه است. دیوان باید در صدور اجازه ورود به این نکته توجه نماید که آیا ورود یک کشور متقاضی مداخله به منظور مشارکت در «تفسیر» یک معاهده است (ماده ۶۳ اساسنامه) یا به منظور حمایت از منافع حقوقی کشور متقاضی (ماده ۶۲ اساسنامه).

در خصوص ورود ایران به این شکایت اینگونه تصور شده است که اگر به عنوان ثالث ورود پیدا کند، در واقع به معنای به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان دولت خواهد بود و اسرائیل را به طور ضمنی شناسایی می کند. ایران معمولاً در الحاق به معاهدات و به ویژه سند تأسیس نهادهای بین المللی تصریح می کند که عضویتش به معنای شناسایی هیچ کشوری نیست و نیز مکرراً از آژانس بین المللی انرژی اتمی خواسته است تا برای عضویت اسرائیل در این نهاد فشار سیاسی لازم را ایجاد نماید. اسرائیل تلاش خواهد کرد برای اثبات دفاع مشروع خود، به وجود یک دولت در کنار حماس یعنی ایران استناد نماید. مقامات ایرانی از ابتدای این وقایع صراحتاً بر این نکته تأکید داشته اند که از عملیات مزبور بی اطلاع بوده اند و این یک «عملیات تماماً فلسطینی» بوده است و چه بسا دیوان اساساً لازم نبیند که در مورد استدلال «دفاع مشروع» قضاوتی نماید.

بنابراین پیش از هر چیز ایران در صورت ورود به دعوی باید روشن کند که آیا هدفش دفاع از منافع حقوقی خود بوده (که موضوع ماده ۶۲ اساسنامه است) یا مشارکت در تفسیر کنوانسیون (موضوع ماده ۶۳ اساسنامه)؟ و اگر دومی مقصود است (که احتمالاً چنین است) دیوان ممکن است با این چالش مواجه شود که آیا یک کشور می تواند در پوشش مداخله موضوع ماده ۶۳، از منافع خود طبق ماده ۶۲ نیز دفاع نماید؟ و آیا رأی دیوان در این صورت، آثار الزامی ناشی از بند ۲ ماده ۶۲ را خواهد داشت یا آثار ناشی از بند ۲ ماده ۶۳ را؟ ورود ایران به اختلاف میتواند موضوع اصلی یعنی همان نسل زدایی را به جهت حمایت از دادخواست آفریقای جنوبی تثبیت کند و محکومیت به این عنوان برای اسرائیل شکستی بزرگ و فتح بابی برای محاکمه ی سران اسرائیل و حمایت جهانی از مردم فلسطین خواهد شد. مضافاً بر اینکه ایران می تواند از منافع خویش به جهت ترورهایی که توسط اسرائیل صورت گرفته است و نیز خسارات مادی و معنوی که متحمل شده است، دفاع نماید.

لازم است دولت ایران از رویه پیشین خود در برابر اسرائیل که موجب شده از بیم القاء به رسمیت شناختن اسرائیل از هرگونه تلاش و کارزار حقوقی علیه این رژیم استنکاف کند، فاصله بگیرد و با پیوستن به دعوی آفریقای جنوبی در دیوان بین المللی دادگستری، فعالانه وارد میدان شود تا بتواند در هر یک از این مراحل به صورت موثر ایفای نقش نماید.

اثبات دادخواست آفریقای جنوبی به اتهام «نسل کشی» در یک سند معتبر حقوقی نزد عالی ترین مرجع قضایی سازمان ملل متحد به همه دولت های عضو «کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸» امکان ورود و مداخله به پرونده را می دهد و از این رو این ظرفیت را ایجاد می کند تا در مدت زمان کوتاهی یک حرکت وسیع بین المللی علیه رژیم اسرائیل از دل جامعه جهانی متولد شود.

۱ - ماده ۶۲ - هرگاه دولتی تشخیص دهد که در مورد اختلافی برای او یک منفعتی که جنبه قضائی دارد مورد بحث میباشد، میتواند برای ورود بعنوان سوم شخص به دیوان عرض حال بدهد.

همانطور که می‌دانیم دیوان بین‌المللی دادگستری - بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه خود - این اختیار را دارد تا برای حفظ حقوق طرفین و همچنین جلوگیری از وخامت اختلاف «دستور موقت» صادر کند؛ و آفریقای جنوبی نیز در دادخواست خود علیه اسرائیل - جهت تعلیق اقدامات نسل‌کشانه رژیم در غزه - این تقاضا را مطرح کرده است.

مجمع عمومی می‌تواند به واسطه قطعنامه خود مشارکت اسرائیل در فعالیت‌های سازمان ملل را تعلیق کند. همچنین می‌تواند مطابق ماده ۲۲ منشور یک «دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه» برای اسرائیل تاسیس کند تا دولتمردان این رژیم را - که از دستور دیوان سرپیچی کرده‌اند - مورد تعقیب قرار دهد؛ و نیز می‌تواند به دولت‌های عضو سازمان ملل توصیه کند علیه اسرائیل تحریم‌های اقتصادی و مالی اعمال کنند؛ یا می‌تواند در راستای پذیرش دولت فلسطین به عنوان یک عضو تام سازمان ملل گام‌های جدی بردارد و این‌ها همگی تنها با دستور موقت (بدون ورود به ماهیت دعوی) امکان‌پذیر است.

در واقع، تمام این اقدامات پیش از رسیدگی ماهوی دیوان بین‌المللی دادگستری به شکایت آفریقای جنوبی و صرفاً با اتکاء به «دستور موقت» دیوان قابل دسترسی است و از این نظر توجه به آن بسیار حائز اهمیت است. ضمن اینکه در بستر «دستور موقت» دیوان تمام اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل در راستای پیشگیری از نسل‌کشی و اجرای «کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸» - از جمله اقدامات تنبیهی علیه اسرائیل - مشروعیت سیاسی و قانونی قابل توجهی پیدا می‌کند.

ورود ایران به یک فرایند حقوقی مشخص در دیوان بین‌المللی دادگستری - آن هم در راستای پاسداری از حقوق مندرج در «کنوانسیون نسل‌کشی» که حقوقی عام‌الشمول است - توسط هیچ دولت یا سازمانی به مثابه «به‌رسمیت شناختن اسرائیل توسط ایران» تعبیر نخواهد شد. اما از سوی دیگر، کناره‌گیری ایران از این تلاش جمعی - که مستعد است جدی‌ترین لطامات سیاسی و حقوقی را به رژیم اسرائیل، از بدو تاسیس آن تاکنون، وارد آورد - می‌تواند برای کشوری که خود را همواره «حامی مردم فلسطین» دانسته، تبعات حیثیتی و اعتباری مهمی در پی داشته باشد.

۲- متن شکوائیه ی ایران علیه رژیم صهیونیستی

به موجب این دادخواست، جمهوری اسلامی ایران، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای ورود به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی (اسرائیل) را خواهان است. جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده ۶۳ اساسنامه ی دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست ورود به دعوی به عنوان ثالث را می‌نماید.

دولت جمهوری اسلامی ایران خواهان محاکمه ی اسرائیل به جهت اعمال ارتكابی ذیل مستند به مقررات بین‌المللی می‌باشد:

۱-۲- نقض ماده ۶ اساسنامه ی رم در خصوص نسل‌کشی و کنواسیون منع و

مجازات ژنوساید ۱۹۴۸

کنواسیون ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد راجع به کشتار جمعی که رژیم اسرائیل هم آن را امضاء کرده است. ماده ۱ این کنواسیون به صراحت اعلام می‌دارد: «مراد از کشتار جمعی، قتل یا هرگونه اعمالی است که به منظور انهدام تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی و نژادی و یا دینی ارتکاب یافته است» قبلاً مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر سال ۱۹۴۸ بر اساس همین کنواسیون اسرائیل را به خاطر کشتار اردوگاه‌های صبرا و شتیلا و عدم ممانعت فرماندهان اسرائیلی از فالانژها در ارتکاب این جنایت محکوم کرده است.

با توجه به اینکه اسرائیلی‌ها در مواجهه با محکومیت جهانی این کشتار اعلام کرده بودند در این کشتار دخالت مستقیم نداشته‌اند، در مورد کشتار اردوگاه چنین که کشتار جمعی ساکنان آن مستقیماً توسط نیروهای اسرائیلی صورت گرفت هیچ راه گریز و بهانه‌ای باقی نمی‌ماند. مجمع ضمن محکوم کردن کشتار صبرا و شتیلا اعلام کرد: «این قتل عام مشمول احکام کیفری کشتار جمعی است» طبق ماده دوم کنواسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی مصوبه ۱۹۴۸، نسل‌کشی عبارت است از ارتکاب هر یک از اعمال مشروحه زیر علیه یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی که به قصد نابود کردن کلی یا جزیی آن‌ها به دلیل دارا بودن این اوصاف، صورت می‌گیرد:

۲-۱-۱- کشتار اعضای گروه؛

از سال ۱۹۸۷، الگوی استفاده بیش از حد از زور توسط نیروهای امنیتی اسرائیل علیه غیرنظامیان فلسطینی مستند شده است. بیش از ۱۰۰۰۰ فلسطینی توسط نیروهای امنیتی از سال ۱۹۸۷ کشته شده‌اند. نیروهای اسرائیلی و شهرک نشینان بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴، ۱۹۱۸ کودک فلسطینی را کشتند. در جریان حمله زمستانی ۲۰۰۹ به غزه، ۱۷۱۵ غیرنظامی فلسطینی کشته شدند. نیروهای اسرائیلی در جریان حمله تابستانی به غزه، ۱۴۸۶ غیرنظامی از جمله بیش از ۵۰۰ کودک را کشتند. بیش از ۱۰۰۰ کودک در نتیجه تهاجم سال ۲۰۱۴ از ناتوانی مادام العمر رنج خواهند برد.

حملات کورکورانه و بدون تمایز بین اهداف نظامی و غیر نظامی مانند بمباران یا پرتاب راکت و خمپاره با مین و تله‌های انفجاری یا استفاده از گلوله انفجاری با برد موثر بالا مندرج در حقوق بین الملل عرفی برگرفته از مواد ۲۳ و ۲۵ کنواسیون لاهه ۱۹۰۷ که ولو اظهر من الشمس مسلسل وار باعث نابودی کلیه مساجد، کلیساها، مدارس، بیمارستان‌ها و منازل مسکونی گردیده است.

ارتش اسرائیل در ۵۰ روز تجاوز خود در سال ۲۰۱۴، غیرنظامیان، منازل مسکونی، مراکز درمانی و محل اسکان آوارگان را مورد حمله قرار داده است.

در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴ در واقع‌ای که در برخی از رسانه‌ها به نام «کشتار شجاعیه» نام گرفت، بیش از ۷۰ نفر غیرنظامی از مردم شهر «شجاعیه» در همسایگی غزه، توسط نیروهای دفاعی اسرائیل شهید

شدند. این بزرگترین قتل عام در فلسطین از زمان جنگ ۱۹۶۷ بود. در میان شهدا ۱۷ کودک و ۱۴ زن و ۱۲ فرد کهنسال نیز بودند؛ و صدها غیرنظامی نیز زخمی شدند. همچنین اسرائیل در ۸ مرداد ۱۳۹۳ مدرسه سازمان ملل در جبلیه واقع در نوار غزه را هدف قرار داد. اسرائیل پیشتر از فلسطینیان خواسته بود تا خانه های خود را ترک کنند؛ در غیر این صورت با خطر مرگ مواجه اند. پس از آن و هنگامیکه بیش از سه هزار تن که اغلب آنان زن و کودک بودند، در این دبستان دخترانه پناه گرفته بودند در آستانه سحر، این مدرسه هدف حمله اسرائیل قرار گرفته و صدها تن کشته و زخمی شدند. اغلب قربانیان زن و کودک بودند. این حمله موجی از محکومیت جهانی را برانگیخت و حتی انتقادات آمریکا را نیز در پی داشت. عدم رعایت حرمت اماکن وابسته به سازمان ملل ناشی از عصبانیت عمیق این رژیم از خشم جهانی متبلور در نظر اکثریتی اعضای سازمان ملل متحد بر ضد اعمال ضدبشری اش بود. این حمله وحشیانه با اجماع جهانیان، نقض فاحش حقوق بشردوستانه بوده و دارای بار شدید مسئولیت بین المللی برای سران این رژیم در آینده خواهد بود

یکی از جدیدترین اقدامات اسرائیل در کشتار مردم مظلوم فلسطین، مربوط به بحران غزه است. حمله نظامیان اسرائیل به نوار غزه در سال ۲۰۲۳ است که به کشته شدن بیش از ۳۴ هزار نفر انسان بیگناه منجر شد. شمار مجروحان نیز به ۷۷ هزار و ۶۴۳ نفر رسیده است. ۷۲ درصد از شهدا و مجروحان نیز زن و کودک هستند.

۲-۱-۲- ایراد آسیب جسمی یا روانی جدی به اعضای یک گروه؛

در جنگ های متعدد که در غزه اتفاق افتاد، رژیم صهیونیستی اقدام به محاصره جمعیت غیرنظامی در غزه و سپس مورد هدف قراردادن آن ها و حمله به این سرزمین نمود. با این کار، مردم فلسطینی در معرض کمبود شدید (قحطی) مواد غذایی و دارویی و سوخت (به منظور تولید انرژی) قرار گرفتند، به صورتی که دیگر بیمارستان های غزه قادر به پذیرش و درمان مجروحان نبودند و در صورت پذیرش هم، به دلیل نبود دارو و تجهیزات پزشکی، بسیاری از زخمی ها جان خود را از دست می دادند. این تعداد تلفات به علاوه از بین رفتن ساختارها و تاسیسات زیربنایی و آواره شدن بسیاری از مردم در کنار محاصره، وقوع یک نسل کشی را به ذهن متبادر می سازد.

اسرائیل در مواردی دیگر، از جمله در درگیری های سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به غزه اعتراف کرد از ماده شیمیایی فسفر سفید استفاده کرده است. طبق قوانین بین المللی استفاده از این گازها ممنوع است. پروتکل ۱۹۲۵ ژنو (۱۳۰۴) در جریان برگزاری کنفرانس نظارت بر تجارت بین المللی اسلحه و مهمات جامعه ملل به عنوان پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا دیگر گازها و روش های بیولوژیک در جنگ ها تصویب و چهار سال بعد به ثبت رسید. استفاده از سلاح های شیمیایی در طول جنگ جهانی اول، جامعه بین المللی را بر آن داشت تا پروتکل ژنو را تدوین و تصویب کند که استفاده از سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی در جنگ را ممنوع می کرد.

بازرس ویژه فرستاده شده به غزه اظهار کرده است که اسرائیل در حمله به مرکز کمک رسانی سازمان ملل در تاریخ ۱۵ ژانویه از فسفر سفید استفاده کرده است. این در حالی است که در تاریخ

مذکور ۷۰۰ شهروند غیرنظامی در آن مرکز حضور داشته‌اند. اسرائیل همچنین از بمب‌های فسفر سفید در حمله به بیمارستان‌های القدس و الوفا استفاده کرده است.

استفاده از تسلیحات غیر متعارف و مواد مرگبار در حملات به گروه‌های جهادی فلسطینی که موجبات درد و رنج و جراحات شدید بدون آن که اهداف مشروع باشد تا جایی که باعث مرگ زجر آور یا معلولیت افراد غیر نظامی نیز به همراه دارد «بدون اجازه درمان حتی در اسارت» و هم چنین موجب نابودی حیوانات و محیط زیست نیز به نحوی گردد که تا سال‌های بعد نیز آثار مخرب آن خواهد ماند. مانند بمباران‌های پی در پی خوشه‌ای و هم چنین انواع راکت‌های بالستیک هدایت‌شونده که تا آخرین ترکش آن باعث جراحات دهشتناک و نابودی مردمان فلسطینی خواهد شد. این رفتار فرماندهان نظامی که کلیه دوره‌های مختلف حقوق جنگ و بین‌الملل جنگ را گذارنده‌اند، وفق مواد ۳۵ و ۳۶ پروتکل لازم‌الاجرا اول ژنو ۱۹۴۹، استفاده از اسلحه و ادوات جنگی، که باعث صدمات بی‌مورد و آلام غیرضروری می‌شود، ممنوع است. بر این اساس، آن مقدار از زور باید بکار گرفته شود که برای غلبه بر دشمن ضرورت دارد. عمده مقررات مربوط به سلاح‌های ممنوعه، در پروتکل اول سال ۱۹۷۷ آمده است؛ ولی استفاده از نوع سلاح ممنوعه، به عهده دولتهای تولیدکننده و استفاده‌کننده گذاشته شده و آنان باید توجه نمایند که استفاده از چنین سلاح‌هایی، با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مغایرت نداشته باشد. (بوسچک و رابرت سون، ۱۳۷۵، ۵۷) یکی از شیوه‌های رایج شکنجه در زندان‌های اسرائیل، روش شیح است که بسیار دردناک است. براساس آمار ۸۷ درصد از بازداشت‌شدگان این شکنجه را چشیده‌اند. در این روش شخص بازداشت شده برای مدتی طولانی آویزان می‌شود. از شیوه‌های دیگری که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، نشان دادن زندانی بر روی یک صندلی کج است تا فشار فزاینده‌ای بر ستون فقرات او وارد شود. ضربه زدن به سینه و اعضای حساس بدن، تکان دادن شدید تا حد بهم ریختگی روانی و بی‌هوشی در اثر تکان خوردن مغز و لخت کردن شخص در سرمای شدید در وسط برف‌ها و ریختن آب سرد بر روی بدن از دیگر روش‌های شکنجه است.

۲-۱-۳- قرار دادن عمدی یک گروه در معرض شرایط نامساعد زندگی، به انتظار

نابودی فیزیکی کلی یا جزیی آن گروه؛

در حملات سال ۲۰۲۳ یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، فلسطینیان را "مردمی حیوانی" خواند و دستور "محاصره کامل" نوار غزه را صادر کرد - "بدون برق، بدون غذا، بدون سوخت، همه چیز بسته است". حملات هوایی به پاسگاه مرزی رفح با مصر مانع از ورود کامیون‌های حامل سوخت و مواد غذایی به غزه شد. گالانت به نیروهایی که در مرز با غزه جمع شده بودند گفت که "تمام محدودیت‌ها را آزاد کرده است". او تهدید کرد: «حماس خواهان تغییر در غزه بود، ۱۸۰ درجه نسبت به آنچه فکر می‌کرد تغییر خواهد کرد». او گفت غزه هرگز به آنچه که بود باز نخواهد گشت. غزه که در ۱۶ سال گذشته تحت محاصره قرار داشت، در واقع به پایین‌ترین سطح خود رسیده است و پس از اتمام سوخت تنها نیروگاه این منطقه، در تاریکی فرو رفته است. اهداف هوایی شامل اردوگاه‌های پناهندگان،

بلوک‌های مسکونی، و زیرساخت‌های حیاتی مانند شرکت مخابرات، بیمارستان‌ها و مدارس است که تنها شکل پناهگاه را برای آواره‌گان غزه فراهم می‌کنند با محرومیت از برق و کمبود دارو، بیمارستان‌های این منطقه قادر به مداوای مجروحان نیستند.

در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ بیمارستان کاتولیک‌ها در منطقه المغازی غزه نیز توسط نیروی هوایی اسرائیل به طور کامل منهدم شد. در حالیکه بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو^۱، نیروهای نظامی می‌بایست از هرگونه تجاوز به حریم بیمارستان‌ها و مراکز درمانی خودداری نمایند. همچنین ممانعت از حمل و نقل مجروحان (برخلاف ماده ۲۱ کنوانسیون چهارم ژنو^۲) و ممانعت از رساندن دارو (برخلاف ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو^۳) نیز از جرایم جنگی شناخته شده است. بنابراین موارد نقض کنوانسیون چهارم ژنو در تهاجم سال ۲۰۰۸ به گونه‌ای است که آشکارا با مقررات صریح آن در تقابل قرار داشته و

^۱ - ماده ۱۸. بیمارستان‌های کشوری که برای پرستاری زخم‌داران و بیماران و معلولین و زنان تازه‌زا تشکیل می‌شوند در هیچ موردی نباید طرف حمله قرار گیرند بلکه در هر زمان باید توسط دول متخاصم محترم شمرده و حمایت شوند. دولت‌های داخل در جنگ باید به کلیه بیمارستان‌های کشوری سندی بدهند که جنبه آنها را از حیث بیمارستان کشوری گواهی کند و معلوم نماید که این‌ها محل بیمارستان‌های مزبور برای مقاصدی که به مفهوم ماده ۱۹ ممکن است آنها را از حمایت محروم سازد مورد استفاده نیست. بیمارستان‌های کشوری در صورتی که اجازه استعمال علامت از دولت داشته باشند به وسیله علامت مذکور در ماده ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران هنگام اردوکنی نشان داده خواهند شد.

دول متخاصم تا حدی که مقتضیات نظامی اجازه دهد اقدامات لازم به عمل خواهند آورد که علائم مشخصه بیمارستان‌های کشوری برای نیروهای زمینی و هوایی و دریایی به طور وضوح مرئی باشند تا امکان هرگونه حمل رفع شود. نظر به خطراتی که ممکن است مجاورت با هدفهای نظامی متوجه بیمارستان‌ها نماید اقتضا خواهد داشت مراقبت شود که بیمارستان‌ها حتی الامکان از هدف‌های نظامی دور باشند.

^۲ - ماده ۲۱. حمل و نقل زخم‌داران و بیماران کشوری و معلولین و زنان تازه‌زا که از روی زمین به وسیله کاروان‌های وسائط نقلیه یا قطارهای بیماربر و یا در روی دریا به وسیله کشتیهای مخصوص حمل و نقل مزبور صورت می‌گیرد مانند بیمارستان‌ها به شرح ماده ۱۸ محترم شمرده و حمایت خواهند شد و با اجازه دولت به وسیله علامت مشخصه مذکور در ماده ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکنی خود را نشان خواهند داد.

^۳ - ماده ۲۳. هر دولت متعاهد به کلیه محصولات دارو و لوازم بهداشتی و اشیاء لازم جهت مراسم مذهبی که منحصرأ برای نفوس کشوری دولت متعاهد دیگر ولو دشمن فرستاده شود آزادی عبور اعطا خواهد کرد. همچنین به هرگونه محصولات خوار و بار ضروری و ملبوس و مواد مقوی مخصوص اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار یا تازه‌زا آزادی عبور خواهد داد. الزام دولت متعاهد در اعطای آزادی عبور محصولات مذکور در بند بالا منوط به این شرط است که دولت مزبور مطمئن باشد که هیچ علت جدی موجود نیست که بیم آن رود که: الف) محصولات مزبور از مقصد خود منحرف شوند یا؛ ب) بازرسی آن شاید مؤثر نباشد یا؛

ج) دشمن بتواند از محصولات مزبور استفاده مشهودی جهت مساعی نظامی یا جهت اقتصاد خود کند بدین طریق که محصولات مزبور جای کالاهایی را که دولت در غیر این صورت می‌بایست خود تهیه یا استحصال کند بگیرد یا مواد و محصولات یا کارکنانی که در غیر این‌صورت می‌بایست برای تهیه کالاهای مزبور اختصاص دهد آزاد شود. دولتی که عبور محصولات مذکور در بند اول این ماده را اجازه می‌دهد می‌تواند اجازه خود را مقید به این شرط کند که تقسیم آن بین گیرندگان در محل تحت نظارت دول حامی صورت گیرد. محصولات مذکور باید با اسرع امکان حمل گردد و دولتی که عبور آزاد آنها را اجازه می‌دهد حق خواهد داشت شرایط فنی را که اجازه تحت آن شرایط داده میشود معین کند

می‌تواند مسئولیت بین‌المللی اسرائیل را بر اساس قواعد عرفی بین‌المللی و نیز پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ در پی داشته باشد.

از ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۴ بیمارستان‌های غزه دچار کمبود شدید در برخی از داروهای ضروری، تجهیزات پزشکی و سوخت شدند. مصر به صورت موقت مرز رفح را گشود تا به کمک‌های پزشکی اجازه ورود به غزه را دهد و برخی از آسیب دیدگان فلسطینی برای دریافت درمان راهی مصر شدند. همچنین سیاست گرسنگی دادن اجباری در تجاوز ۵۱ روزه نیز با بیرحمی هر چه تمام‌تر انجام گردید.

در طی جنگ، قیمت مواد غذایی از جمله ماهی به شدت افزایش یافت. تا ۵ اوت ۲۰۱۴ بیش از ۵۰۰ هزار نفر از ساکنان غزه بی‌خانمان شده بودند. یک میلیون و هشتصد هزار نفر فلسطینی در معرض بیماری‌های اپیدمی هستند؛ این امر به خاطر نبود آب سالم و تجهیزات پزشکی است. ۱۳۷ مدرسه و ۲۴ مرکز بهداشتی توسط اسرائیل آسیب دیده‌اند و بیش از ۲۲۵ هزار نفر نیازمند کمک ضروری غذایی هستند. هیچ کدام از این تهاجمات و اقدامات اسرائیل را نمی‌توان منطبق بر حقوق مخاصمات مسلحانه قلمداد کرد.

نوار غزه یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق جهان است. بیش از دو میلیون نفر که اکثریت آنها آوارگان فلسطینی ثبت شده هستند، در این سرزمین زندگی می‌کنند و بیشتر به کمک‌های بشردوستانه متکی می‌باشند. در غزه، آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) به ۱.۴ میلیون پناهنده فلسطینی خدمات بشردوستانه ارائه می‌کند.

اسرائیل در ۹ اکتبر محاصره کامل غزه را به همراه داشت که منجر به کمبود شدید آب، غذا و دارو شد که بقای ۲.۳ میلیون فلسطینی را به خطر انداخت و یک بحران انسانی وخیم ایجاد کرد. اسرائیل در ۱۱ اکتبر برق غزه را قطع کرد که منجر به خاموشی مداوم شد که به فروپاشی بیمارستان‌ها و خدمات آب و فاضلاب منجر شد. اسرائیل چندین دستور تخلیه شمال غزه را صادر کرده است، از جمله به بیمارستان‌هایی که مراقبت‌های لازم را انجام می‌دهند، و نیروهای اسرائیلی از زمان آغاز تهاجم زمینی خود عملاً مناطق شمال وادی غزه را از جنوب جدا کرده‌اند. بیش از ۱.۱ میلیون نفر قبل از شروع جنگ در شمال غزه زندگی می‌کردند و حداقل ۱.۸ میلیون نفر در حال حاضر آواره داخلی هستند. فلسطینی‌ها همچنان در غزه گرفتار شده‌اند، زیرا مقامات اسرائیلی گذرگاه‌های اریز و کرم شالوم را بستند، در حالی که عبور و مرور از طریق گذرگاه رفح از مصر همچنان به شدت محدود شده است.

رژیم اسرائیل در طی چندین دهه اخیر برای تثبیت موقعیت خود در منطقه و گسترش مرزهای خود، به انواع و اقسام اعمالی که در مغایرت با حقوق بین‌الملل و حقوق بشری است دست زده است. از جمله اعمالی که این رژیم به کرات مرتکب آن شده است جنایت علیه بشریت می‌باشد. ارتکاب اعمالی از جمله، قتل عمد، نابود سازی، اخراج یا انتقال اجباری، حبس کردن یا محروم کردن شدید دیگری از آزادی جسمانی، شکنجه و تبعیض نژادی از جمله اقداماتی است که به واسطه ی آن به این واقعیت پی می‌بریم که رفتارهای رژیم اسرائیل برای حفظ و بقای موجودیت خود، مصداق بارز جنایات بین‌المللی است.

«محاصره کامل» تحمیلی اسرائیل و قطع غذا، آب، سوخت و برق به غزه بر خدمات اضطراری و تأسیسات بهداشتی در بحبوحه تقاضای بالا برای مراقبت‌های نجات جان تأثیر گذاشته است. رژیم صهیونیستی همچون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، با برنامه ریزی‌های هدفمند و سیستماتیک به دنبال تسلط اقلیت جامعه یهود بر اکثریت جامعه مسلمان و عرب فلسطینی می‌باشد. دامنه فعالیت‌های نژادپرستانه و تبعیض آمیز رژیم صهیونیستی در حدی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ نوامبر ۱۹۷۵ تصویب قطعنامه ۳۳۷۹ دو رژیم آفریقای جنوبی و اسرائیل را به عنوان رژیم‌های نژادپرست معرفی و محکوم کرد.

اسرائیل برخلاف تعهدات بین‌المللی خود در خصوص سرزمین‌های اشغالی و برخلاف اصل ممنوعیت توسل به زور، یکی از تجاوزات بر علیه غزه را ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ با نام عملیاتی «عملیات سرب گداخته» آغاز کرد و این جنگ تا ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۹ به طول انجامید. در این جنگ نابرابر اسرائیل ضمن ارتکاب جنایات علیه بشریت به خاطر نقض صلح و شروع جنگ تجاوزکارانه، مرتکب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شد که این امر در گزارش سازمان‌های بین‌المللی به ویژه در گزارش کمیته حقیقت یاب سازمان ملل متحد به ریاست گلدستون اثبات شده است. رژیم صهیونیستی بعد از اعلام آتش بس از بازگشایی گذرگاه‌های نوار غزه امتناع ورزید و در نتیجه بازسازی ویرانه‌های این منطقه عملی نشد؛ آنها دلیل این کار را جلوگیری از ورود سلاح‌های بیشتر به این منطقه عنوان کردند. بعد از اعلام آتش بس، هر از چندگاهی درگیری‌های پراکنده‌ای میان طرفین گزارش شده است.

اداره ملل متحد در امور همکاری‌های بشردوستانه^۱ بر طبق گزارش وزیر بهداشت فلسطین اعلام کرد که در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ در اثر حمله نظامی اسرائیل به غزه حدود ۱۴۳۰ نفر فلسطینی شهید و ۵۳۸۰ نفر دیگر، برخلاف مقررات کنوانسیون چهارم ژنو، توسط ارتش اسرائیل مجروح شدند که اکثر آنها غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان، بودند. طبق همین گزارش، در بین شهدا، تعداد ۴۱۲ نفر، کودک بوده اند.

۲-۱-۴- تحمیل تدابیری به قصد جلوگیری از زاد ولد در یک گروه؛

حداقل ۱۰۰۰۰ از ۴۶۰۰۰ زن باردار در غزه در جریان حمله تابستانی ۲۰۱۴ آواره شدند. حداقل ۶۷ مادر فلسطینی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ مجبور به زایمان در پست‌های بازرسی اسرائیل شدند. دوازده درصد از بیماران غزه از دریافت مجوز برای درمان در خارج از نوار محروم شدند یا به موقع پاسخ دریافت نکردند و قرارهای بیمارستانی خود را در سال ۲۰۱۳ از دست دادند. یک پنجم درخواست‌های بیماران فلسطینی برای دسترسی به امکانات پزشکی در اورشلیم شرقی به طور معمول رد می‌شود. حداقل ۱۰ نفر، از جمله ۷ زن باردار، در سال ۱۹۹۶ به دلیل نداشتن مجوز یا در نتیجه تاخیر در

¹- United Nations Office for Humanitarian Cooperation.

گذرگاه های مرزی که دسترسی به امکانات پزشکی مجهز تر در کرانه باختری، اورشلیم یا سایر نقاط اسرائیل را فراهم می کردند، جان باختند.

۲-۱-۵- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.

اسرائیل در سال ۲۰۰۵ ارتش خود و ۸۰۰۰ شهرک نشین خود را از غزه تخلیه کرد و مدعی شد که اشغال آن پایان یافته است. متعاقباً غزه را به عنوان «موجود دشمن» تعریف کرد، مفهومی که در قانون ناشناخته است. با این حال، سازمان ملل همچنان غزه را سرزمینی تحت اشغال اسرائیل می داند و در نتیجه بر اساس قوانین بین المللی بشردوستانه اداره می شود. این به این دلیل است که اسرائیل محاصره هوایی، دریایی و زمینی همه جانبه ای را که از سال ۲۰۰۷ برقرار است حفظ کرده است. طبق قوانین بین المللی، اشغال به این بستگی ندارد که آیا یک قدرت خارجی مستقیماً نیروهای زمینی در یک قلمرو حضور دارد یا خیر، بلکه به این بستگی دارد که آیا این کشور ادعا می کند که "کنترل موثر" بر یک سرزمین دارد یا خیر؟. در سال ۲۰۰۹، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۸۶۰ وضعیت غزه را تأیید کرد که در آن آمده بود "نوار غزه بخشی جدایی ناپذیر از سرزمین اشغال شده در سال ۱۹۴۷ است." در نتیجه، فلسطینیان غزه همچنان تحت کنوانسیون چهارم ژنو "افراد محافظت شده" هستند و از حمایت های گسترده ای برخوردارند که طبق قوانین جنگ برای آنها تضمین شده است.

کمیته حقوق کودک سازمان ملل بیانیه زیر را در خصوص حملات اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ صادر کرد و از رنج عمیق کودکان ابراز خشم کرد: کمیته حقوق کودک تشدید حملات اسرائیل علیه اهداف غیرنظامی در نوار غزه که منجر به کشته شدن بیش از ۳۵۰۰ کودک از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شده است را به شدت محکوم می کند. ما همچنین عمیقاً نگران کودکانی هستیم که به عنوان گروگان نگه داشته شوند. درگیری های مسلحانه قبل از هر چیز به کودکان آسیب می زند و تأثیرات مادام العمر بر سلامت جسمی و روانی، رشد و در نهایت برخورداری از تمام حقوق آنها دارد. کودکان نیز زمانی که زنده می مانند اما والدین و سایر اعضای خانواده و دوستان خود را از دست می دهند و شاهد حوادث فاجعه بار هستند، آسیب می بینند. علیرغم حمایتی که باید توسط قوانین بین المللی از همه کودکان ارائه شود، در ماه اول این جنگ، گزارش های ویران کننده ای از اعمال منع شده توسط حقوق بشردوستانه بین المللی از جمله معلولیت، جراحت، آدم ربایی، آوارگی اجباری، محرومیت از خدمات پزشکی مراقبت، غذا و آب منتشر شده است. طبق ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، دولت ها موظفند به قوانین حقوق بین الملل بشردوستانه احترام بگذارند و از آنها اطمینان حاصل کنند و تمام اقدامات ممکن را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکان آسیب دیده از درگیری های مسلحانه انجام دهند. این کمیته خواستار پایان دادن به آسیب های ویرانگری است که به زندگی کودکان در سرزمین های اشغالی فلسطین وارد شده است.

تمامی حقوقی که در کنوانسیون مورد بحث به آن تاکید شده، درباره اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک هستند و به وسیله این اصول یعنی منع تبعیض، مصالح عالیه، حق بر حیات، بقا و رشد و حق بر شنیده شدن شناخته می شوند. حق در امان بودن از خشونت، حق همبستگی خانواده، حق سلامت و

حق آموزش از مهم‌ترین حقوقی هستند که در این کنوانسیون به آن‌ها به عنوان حقوق کودکان تاکید شده است.

با شروع حملات اسرائیل به غزه از اکتبر ۲۰۲۳ حداقل ۴۳۲۴ کودک در بمباران اسرائیل کشته شده‌اند. براساس آمار ارائه شده ارتش اسرائیل، طی ماه گذشته دو برابر تعداد کل کودکان فلسطینی کشته شده در کرانه باختری و غزه اشغالی از سال ۱۹۶۷ در نوار غزه، کودک کشته است. علاوه بر این تعداد کودکان کشته شده در غزه، حدود ۱۳۵۰ کودک زیر آوارها مفقود شده‌اند که به احتمال زیاد اکثر آن‌ها مرده هستند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد گفت غزه در حال تبدیل شدن به "قبرستان کودکان" است

این وضعیت منجر به افزایش نرخ ناامنی غذایی، نقض حق کودکان برای داشتن استانداردهای مناسب زندگی طبق ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک و نقض حق سلامت کودکان از طریق هدف قرار دادن تاسیسات آب و فاضلاب و امکان ابتلای کودکان به بیماری‌ها براساس ماده ۲۴ همان کنوانسیون می‌شود. تشدید حملات رژیم صهیونیستی به غزه همچنین به امنیت و آموزش کودکان غزه آسیب وارد کرده است؛ در حال حاضر مدارس غزه به‌عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند، هرچند که این اماکن دیگر از بمباران‌های رژیم صهیونیستی نیز در امان نیستند. براساس ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، دسترسی کودکان به آموزش باید تضمین شده و نباید نقض شود.

این مباحث گرچه در سال‌های مختلف اشغال و تهاجم اسرائیل وجود داشته و البته ادامه داشته است ولی در سال ۲۰۲۳ به جهت تهاجم اسرائیل به غزه در چندین جبهه، با توجه بیشتری مواجه شد و مجدداً مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد که اشغالی بودن غزه و محرز بودن این موضوع برای جامعه‌ی جهانی مسلم باشد و تنها مخالفت اسرائیل با این موضوع به جهت عدم پایبندی خود به مقررات بین‌المللی نمی‌تواند موجب پاک کردن صورت مسئله گردد و محل اجرای مقررات چهارم کنوانسیون چهارم ژنو را از بین ببرد.

با توجه به تعریف بالا، این روزها در غزه ما بارزترین نمونه‌های نسل‌کشی را شاهد هستیم و دردآورترین نوع آن کشتن کودکانی است که احتمال می‌رود اگر بزرگ شوند برای اسرائیل خطر ساز شده و امنیت شهرک‌های اشغالی را به خطر می‌اندازند. به تعبیری رژیم صهیونیستی با بمباران کودکان فلسطینی امنیت و آسایش خود در آینده را می‌خواهد تضمین و تأمین کند. همچنین بنا به بند ج این ماده از کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی، قطع کردن آب و برق غزه و محاصره اقتصادی و جلوگیری از ایصال مواد غذایی و اولیه به مردم این منطقه از دیگر مصادیق نسل‌کشی است که این روزها به دست اسرائیل رقم می‌خورد.

۲-۲- مستندات انتساب مسئولیت بین المللی رژیم صهیونیستی (اسرائیل)

بر اساس ماده‌ی ۴ این طرح رفتار ارگانهای یک کشور به صورت ۱- رفتار هر ارگان کشوری، باید به موجب حقوق بین الملل، به عنوان عمل آن کشور دانسته شود؛ خواه آن ارگان، [وظایف] تقنینی، اجرایی، قضایی یا هر وظیفه‌ی دیگر را صرف نظر از موقعیتی که در سازمان کشور دارد و صرف نظر از

ویژگی آن به عنوان ارگانی از دولت مرکزی یا واحد سرزمینی کشور اعمال کند. ۲- یک ارگان، متضمن هر فرد یا واحدی است که موقعیت مزبور را مطابق با حقوق داخلی کشور داراست و موجب مسئولیت بین‌المللی برای اسرائیل خواهد بود. از سوی دیگر، مواد بعدی به مصادیق زیر اشاره می‌نمایند:

- ۱- ماده ۵: رفتار اشخاص یا واحدهایی که عناصر اختیار دولتی را اعمال می‌کنند: رفتار یک فرد یا واحدی که به موجب ماده ۴ ارگان کشور نیست، اما به موجب قانون آن کشور دارای اختیار می‌گردد تا عناصر اختیار دولتی را اعمال کند، به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل کشور دانسته خواهد شد؛ مشروط بر آن که شخص یا واحد، در موردی ویژه، در آن صلاحیت عمل کنند.
- ۲- ماده ۶: رفتار ارگانهایی که توسط کشور دیگر، در اختیار کشوری قرار می‌گیرد: رفتار ارگانی که توسط کشور دیگر، در اختیار کشوری قرار می‌گیرد، اگر آن ارگان در اعمال عناصر اختیار دولتی کشوری که سازمان در اختیار وی قرار گرفته است، اقدام کند، به موجب حقوق بین‌الملل به عنوان عمل کشور اخیر دانسته خواهد شد.
- ۳- ماده ۷: تجاوز از اختیار یا نقض دستورها: رفتار ارگان از یک کشور یا شخص یا کشور یا واحدی که دارای اختیار می‌گردد، عناصر اختیارات دولتی را اعمال کند، اگر ارگان، شخص یا واحد در آن صلاحیت عمل کند، باید به موجب حقوق بین‌الملل به عنوان عمل کشور مد نظر قرار گیرد؛ حتی اگر از اختیار خود تجاوز یا دستورها را نقض کند.
- ۴- ماده ۸: رفتار هدایت یا کنترل شده توسط یک کشور: رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت بر مبنای دستورها یا تحت هدایت یا کنترل کشور [ی] عمل کنند، باید به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن کشور دانسته شود.
- ۵- ماده ۹: رفتار انجام شده در غیاب یا قصور مقامات رسمی: رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت عناصر اختیار دولتی را در غیاب یا قصور مقامات رسمی و در شرایطی نظیر مطالبه اعمال آن عناصر اختیار، اعمال می‌کنند، باید به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن کشور، دانسته شود.

شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در موارد مختلف از اسرائیل خواسته‌اند که به قواعد حقوق بشردوستانه در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد. به عنوان مثال، شورای امنیت در سال ۱۹۹۰ با تصویب قطعنامه ۶۸۱ از دولت اسرائیل درخواست نمود تا اعمال دایمی کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی را بپذیرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۱ در قطعنامه ۵۶/۶۰ مجدداً بر این موضوع تأکید کرد که، کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین شامل بیت المقدس و سایر سرزمین‌های عربی که از ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد، قابل اعمال است. همچنین دولت‌های متعهد به کنوانسیون ژنو در کنفرانسی در سال ۲۰۰۱ قابلیت اجرایی کنوانسیون چهارم در مورد سرزمین‌های اشغالی را تأیید و از اسرائیل خواستند تا از نقض‌های فاحش کنوانسیون از قبیل مصادره و تخریب گسترده اموال که ضرورت نظامی آن را ایجاب نمی‌کند، بپرهیزد.

درگیری مسلحانه جاری میان حماس و اسرائیل در واقع یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی تلقی می‌شود و یک جنگ داخلی به حساب می‌آید. بنابراین باید قواعد عرفی حقوق بشردوستانه، حقوق حاکم بر این جنگ باشند. اما اگر معتقد باشیم که اسرائیل سرزمین فلسطین را اشغال کرده است، بنابراین حقوق اشغال حاکم است و بدین گونه استدلال می‌شود که اسرائیل مرزها و حریم هوایی غزه را به طور کامل کنترل می‌کند و تمام زیرساخت‌ها و انرژی مردم ساکن در نوار غزه از جمله برق، آب، اینترنت و غیره تحت کنترل کامل اسرائیل است. حقوق حاکم بر این مخاصمه مسلحانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ و قواعد عرفی بین‌المللی بشردوستانه خواهد بود. عدم حضور اسرائیل در نوار غزه، به معنای حاکمیت تام و تمام و موثر حماس بر غزه نیست، چرا که قاطبه امور تصدی‌گری و حاکمیتی در غزه تحت نظارت و کنترل مستقیم نیروهای اسرائیل قرار دارد. از ارائه خدمات و مایحتاج روزمره مردم غزه گرفته تا ورود و خروج آنها از مرزهای سرزمین اشغالی. با این تفسیر، اگر ملاک اعمال حاکمیت و کنترل موثر در یک قلمرو را به مفهوم تام و تمام آن در حقوق بین‌الملل در نظر بگیریم، مسلماً، تسلط و حکمرانی حماس بر نوار غزه چنین وصفی را ندارد و النهایه باید قائل به این شد که قدرت اشغالگر کماکان نسبت به غزه مسئولیت داشته و در قبال نقض قواعد جنگ و حقوق بین‌الملل بشردوستانه متعهد است، از این رو، قواعد حاکم در این جنگ، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ و قواعد عرفی بشردوستانه می‌باشند. برخی از قوانین عرف بین‌الملل از طریق معاهدات و قوانین داخلی تدوین شده‌اند، در حالی که برخی دیگر تنها به عنوان قانون مرسوم شناخته می‌شوند. قوانین جنگ نیز به عنوان جزیی از آن شناخته می‌شوند. مدت‌ها قبل از تدوین قانون عرف بین‌المللی در کنوانسیون‌های ژنو، در سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ کنوانسیون ژنو و دیگر معاهدات تصویب شد. با این حال، این قوانین ادعا نمی‌کنند که تمام مسائل قانونی که ممکن است در طول جنگ ایجاد شود را کنترل کنند. در عوض در ماده ۱ پروتکل الحاقی دیکته می‌کند که قانون عرف بین‌الملل بر مسائل قانونی مربوط به درگیری‌های مسلحانه که با توافق‌های دیگر پوشیده نشده است را کنترل می‌کند. به طور کلی، ملل مستقل باید برای رسیدن به یک معاهده خاص یا عرف قانونی موافقت کنند. با این حال قوانین عرف بین‌الملل، هنجارهایی هستند که به اندازه کافی در سطح بین‌الملل فراگیر شده‌اند، به طوری که کشورها برای محدود شدن نیاز به رضایت ندارند. در این موارد، تنها چیزی که مورد نیاز می‌باشد این است، که دولت به این قوانین اعتراضی نکند.

طبق مواد ۱ و ۲ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هر عمل متخلفانه یک کشور، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را موجب می‌شود. عناصر این عمل متخلفانه عبارت است از رفتاری که به موجب حقوق بین‌الملل متضمن فعل یا ترک فعل قابل انتساب به یک کشور بوده و آن رفتار نقض یک تعهد بین‌المللی آن کشور باشد. اقدامات صورت گرفته توسط اسرائیل در تهاجمات علیه غزه هم قابلیت انتساب را دارد و هم اینکه می‌تواند مبنایی بر مسئولیت بین‌المللی اسرائیل قلمداد گردد. اسرائیل به عضویت کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو درآمده است، اما عضو پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ نیست؛ البته

هم پروتکل های ۱۹۴۹ و هم الحاقی ۱۹۷۷ برای همه کشورها از جمله رژیم صهیونیستی لازم الرعایه می‌باشد. جهات الزام آور بودن این پیش نویس و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی ژنو برای اسرائیل عمدتاً به دلیل عرفی بودن این قبیل از مقررات و الزامات است و عدم عضویت اسرائیل در کنوانسیون‌های یاد شده نمی‌تواند مجرای عدم مسئولیت برای دولت اسرائیل قلمداد گردد.

نقض قواعد این حوزه از حقوق، هم باعث ایجاد مسئولیت کیفری و هم مسئولیت غیرکیفری می‌شود. مسئولیت کیفری برای افرادی که قواعد مربوط به این شاخه از حقوق را نقض می‌کنند و مسئولیت مدنی (یا غیر کیفری) برای دولتی که اقدامات ناقض قواعد حقوق بشردوستانه به آنها قابل انتساب است. بنابراین مسئولیت دولت (به رغم تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه ماده ۱۹ طرح پیش نویس ۱۹۷۶) جنبه غیر کیفری دارد و در شاخه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بررسی می‌شود.

پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ۱۹۴۹ عنوان می‌دارد که طرف مخاصمه، مسئول همه اقدامات صورت گرفته از سوی اعضای نیروهای مسلح خود می‌باشد. این دیدگاه، به وسیله رویه قضایی نیز مورد حمایت قرار گرفته است. برای مثال دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، در قضیه «فوروند زیجا در سال ۱۹۸۸ و در قضیه تادیچ» در سال، ۱۹۹۹ مسئولیت دولت برای همه اعمال ارتكابی به وسیله اعضای نیروهای مسلحش را پذیرفت. بنابراین مسئولیت بین‌المللی اسرائیل در این حوزه کاملاً قابلیت انتساب داشته و می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

محدودیت مقرر شده (ارتكاب عمل در صلاحیت رسمی) در طرح پیش نویس باعث می‌شود که یک دولت، مسئول اقداماتی مانند سرقت و تجاوز به عنف اعضای نیروهای مسلحش - که در صلاحیت رسمی خود انجام نمی‌دهند - نباشد. در صورتی که در حوزه حقوق بشردوستانه و طبق ماده 3 کنوانسیون چهارم لاهه و ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول، این اقدامات نیز قابل انتساب به دولت است.

در چارچوب فصل چهار طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها، ماده 16 تحت عنوان «کمک یا معاونت در ارتكاب عمل متخلفانه بین‌المللی مقرر می‌دارد: دولتی که به ارتكاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط دولتی دیگر کمک یا یاری می‌رساند، اگر با آگاهی از اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین‌المللی چنین کمکی را ارائه کند و عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی کشور مورد کمک ارتكاب یابد، از لحاظ بین‌المللی برای چنین اقدامی (کمک یا معاونت) مسئول است.

منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی هرگونه توسل به زور را مدنظر دارد و اعضای سازمان ملل متحد را ملزم می‌سازد که در روابط بین‌المللی میان خود از توسل به زور، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل، محاصره دریایی و یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات یا اعمال قدرت چه علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور و چه هرگونه رفتار دیگر که با اهداف ملل متحد مغایر باشد خودداری کنند. در همین رابطه اینکه یک دولت به بهانه کشته شدن چند سرباز، کمر به نابودی زیرساخت‌های یک منطقه ارضی کوچک با تراکم جمعیتی بالا ببندد، نه تنها منافی با اصل ممنوعیت توسل به زور است بلکه در قالب حق دفاع مشروع نیز نمی‌گنجد؛

ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدامات دفاع مشروع را که از حقوق بین‌الملل عرفی ناشی می‌شود، مجاز می‌داند و این حق را محدود به اقدامات علیه نیروهای مسلح متعارف یک کشور دیگر نمی‌کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند هیچ اقدامی برای تقویت یا محدود کردن این حق دفاع از خود انجام ندهد - و بدون توجه به این، این شورا مدت‌هاست که اساساً به دلیل شکاف بین اعضای دائمی غربی و دو طرف روسیه و چین فلج شده است. در جلسه بی نتیجه شورا در ۱۶ اکتبر نشان داده شد. هدف اعلام شده دولت برای پایان دادن به حماس، عمیقاً با اقدامات دفاعی اسرائیل مرتبط است. قوانین بین‌المللی به صراحت استفاده از زور را برای از بین بردن سازمانی مانند حماس که اسرائیل، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر آن را یک گروه تروریستی می‌دانند، ممنوع نمی‌کند. با این حال، همچنان مهم است که استفاده اسرائیل از زور برای دستیابی به این هدف، از حق دفاع از خود بر اساس منشور سازمان ملل و مطابق با قانون درگیری مسلحانه و حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد. بر مبنای اصل تناسب، باید میان عمل دفاعی و اقدام تجاوزکارانه تناسب برقرار باشد. به این صورت که اگر کشوری مورد تجاوز مسلحانه توسط سلاح‌های کلاسیک قرار گرفت مجاز نیست که در مقام دفاع از خود از سلاح کشتار دسته‌جمعی مانند سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای استفاده کند. طبق ماده ۲۱ طرح پیش نویس مسئولیت دولت‌ها، در صورتی که فعل دولت، اقدام قانونی دفاع مشروع بر طبق منشور ملل متحد باشد وصف متخلفانه بین‌المللی آن زائل می‌گردد. البته بنا به نظر تفسیری کمیسیون حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع نمی‌تواند مجوزی برای نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه باشد. حفاظت از جمعیت غیرنظامی در جریان و کوران جنگ و مخاصمات مسلحانه اساساً منوط به رعایت عوامل زیر می‌باشد:

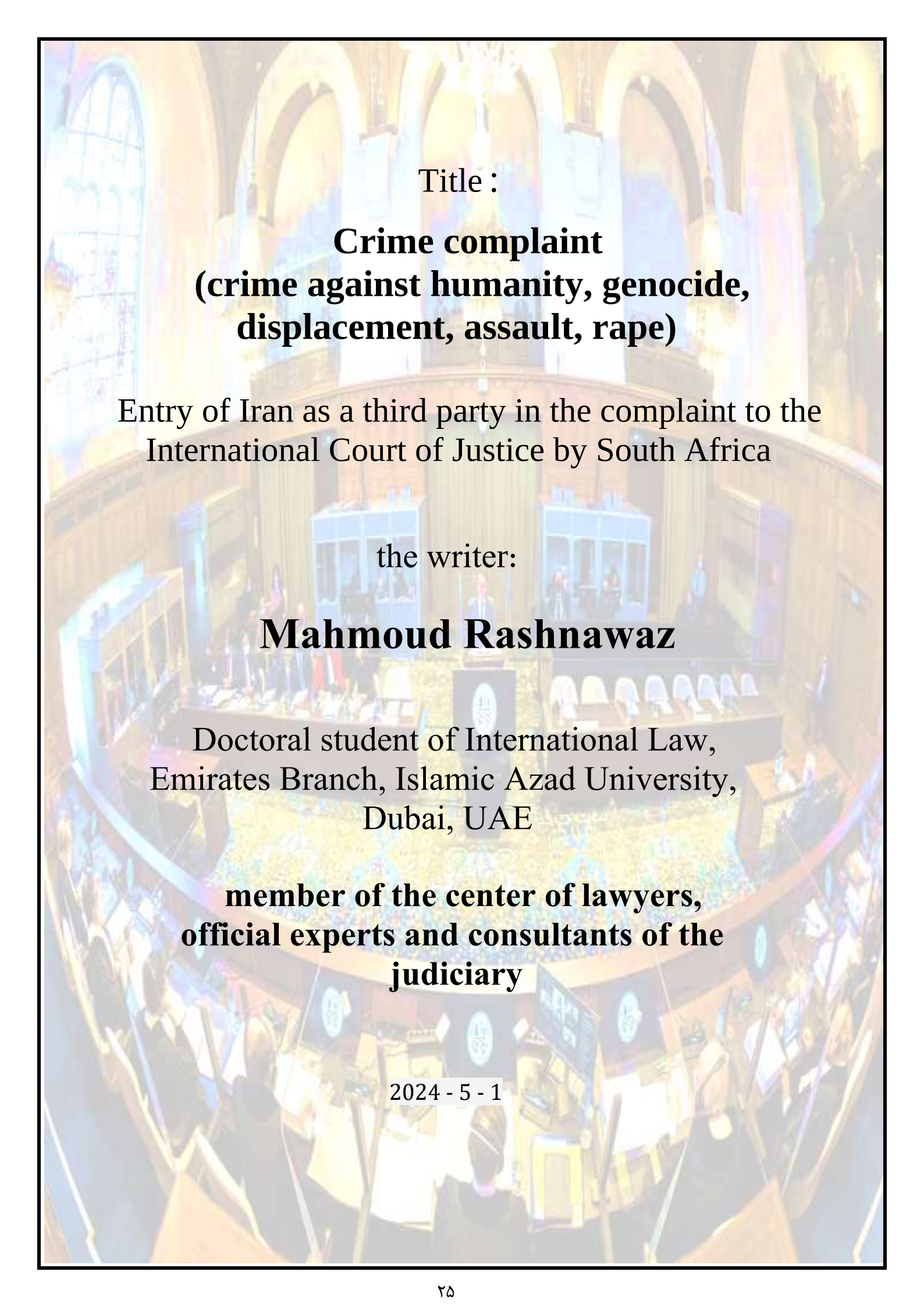
- ۱- غیرنظامیان باید از مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه خودداری کنند؛
- ۲- طرفین مخاصمه که کنترل جمعیت غیرنظامی را در دست دارند، نباید با استفاده از آنها به عنوان سپر انسانی، آنها را در معرض خطر و آسیب شدید قرار دهند؛ بنابراین، هرگونه اقدام اسرائیل برای مسلح کردن شهرک نشینان و غیرنظامیان و دعوت آنان به شرکت در مخاصمه ولو با توجیه دفاع مشروع، تحت الحمایه بودن و مصونیت آنان از حمله را وفق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کان لم یکن می‌سازد، چرا که در صورت مسلح شدن افراد غیرنظامی شهرک نشین و مشارکت مستقیم آنها در درگیری‌های مسلحانه می‌توان آنها را به عنوان اهداف نظامی مشروع تلقی کرد.
- ۳- نیروی مهاجم باید اقدامات احتیاطی را برای جلوگیری یا به حداقل رساندن تلفات بیش از حد غیرنظامیان هنگام حمله به اهداف قانونی انجام دهند.

غیرنظامیان در غزه یقیناً نه تنها اهداف قانونی نیستند، بلکه طبق اصل تناسب (به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه)، باید مورد حمایت و حفاظت قرار بگیرند؛

ماده ۵۰ طرح پیش نویس مسئولیت دولت‌ها، به صراحت عنوان می‌دارد که اقدامات متقابل نباید بر تعهدات با ویژگی حقوق بشر دوستانه که اقدامات تلافی جویانه را منع می‌کند، تأثیر بگذارد. تعهدات با ویژگی حقوق بشر دوستانه مندرج در این ماده، نه تنها نباید تحت تأثیر اقدامات متقابل ناقض حقوق بشر دوستانه از سوی دولت دیگر واقع شود، بلکه همچنان نباید تحت تأثیر هر گونه اقدامات متقابل در قبال نقض هر گونه قواعد حقوق بین‌الملل قرارگیرد. این ممنوعیت چنین توجیه می‌شود که اگر هر قاعده حقوق بین‌الملل بشردوستانه بتواند در قالب اقدامات متقابل در مقابل عمل تجاوز، نقض شود، در آن صورت آن قاعده، معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد، به هر صورت، همین که پذیرفته شده است که حتی مهم‌ترین نقض حقوق بین‌الملل، یعنی عمل تجاوز نمی‌تواند نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قالب عمل متقابل توجیه کند، می‌توان گفت که هیچ یک از سایر نقض‌های حقوق جنگ نیز نمی‌تواند نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قالب اقدامات متقابل توجیه کند.

ماده ۳۱ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد که «دولت مسئول، موظف است که بابت صدمات وارده در اثر عمل متخلفانه بین‌المللی غرامت کامل بپردازد. جبران کامل غرامت در قبال صدمات وارده در اثر عمل متخلفانه بین‌المللی به شکل: اعاده وضعیت سابق، جبران خسارت یا رضایت، به تنهایی یا ترکیبی از این مواد، صورت گیرد.» همچنین در مواد مختلف کنوانسیون چهارم لاهه و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ مقرر می‌دارد که دولتی که مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را نقض کند، در صورت مقتضی، مسئول پرداخت غرامت خواهد بود.

نظر به مقررات پیش گفته در خصوص اعمال ارتكابی توسط اسرائیل و سران این رژیم و استناداتی که مثبت انتساب مسئولیت بین‌المللی به اسرائیل می‌باشد. در خواست رسیدگی و صدور حکم بر مبنای دادخواست اصلی اقامه شده توسط آفریقای جنوبی را داریم. این شکوائیه دادخواهی از ظلم و ستمی است که بر انسان‌های بیگناه در اسرائیل روا داشته شده است.



Title :

**Crime complaint
(crime against humanity, genocide,
displacement, assault, rape)**

Entry of Iran as a third party in the complaint to the
International Court of Justice by South Africa

the writer:

Mahmoud Rashnawaz

Doctoral student of International Law,
Emirates Branch, Islamic Azad University,
Dubai, UAE

**member of the center of lawyers,
official experts and consultants of the
judiciary**

2024 - 5 - 1